

امضای تفاهم امنیتی مشترک ایران و عراق



تفاهم امنیتی مشترک ایران و عراق بعد از ظهر دیروز (دوشنبه) به امضا رسید.

تفاهم امنیتی مشترک ایران و عراق توسط «علی لاریجانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی و «قاسم الاعرجی» مشاور عالی امنیت ملی عراق با حضور «محمد شیاع السوداني» نخست‌وزیر این کشور امضا شد. همچنین پیش از امضای این تفاهم امنیتی مشترک، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان در دیدار محمد شیاع السوداني، نخست‌وزیر عراق به بررسی آخرین تحولات و تعاملات دوجانبه پرداخت.

«علی لاریجانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی و نماینده مقام رهبری را با عراق تدوین کرده‌ایم که خیلی بغداد با «عبد‌اللطیف رشید» رئیس‌جمهور عراق و مشاور عالی امنیت ملی این کشور نیز دیدار کرد.

لاریجانی پیش از سفر به عراق گفته بود: ما یک توافقنامه امنیتی را با عراق تدوین کرده‌ایم که خیلی نقطه مهمی است. نگاه ایران و سبک ایران در روابط با همسایگان اینگونه است که امنیت ایرانیان برایش نقطه اصلی است ولی در ضمن، توجه به امنیت همسایگان هم دارد و مثل برخی کشورها نیست که فقط امنیت را برای خودشان می‌دانند و دیگر ملت‌ها را در منطقه له کردند. این یک نوع رفتار است و در همین سفر این توافقنامه امضا خواهد شد.

همواره بر حفظ استقلال لبنان تأکید کرده‌ایم



اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران در نشست خبری هفتگی با اصحاب رسانه بیان کرد: موضع ما در حمایت از تمامیت سرزمینی، یکپارچگی و استقلال لبنان اثبات شده است. ما همواره بر حفظ استقلال لبنان و حق این کشور برای مقابله با شرارت‌های رژیم صهیونیستی تأکید کرده‌ایم و همواره در کنار مردم لبنان برای دفاع از خودشان بوده‌ایم.

آنچه بیان شده موضع اصولی ایران در دفاع از تمامیت ارضی لبنان بوده است و ما فهم و نگاه خودمان نسبت به تحولات را بیان کردیم. تجربه نشان داده با تجهیز کشورها برای دفاع از خودشان می‌شود در برابر رژیم ایستاد. این حق ذاتی لبنان است تا در برابر تجاوز رژیم از خودش دفاع کند و اعمال این حق ذاتی بدون داشتن سلاح ممکن نیست. تصمیم‌گیری در این باره در شان مردم لبنان است.

تخت‌روانچی: پایان دادن به غنی‌سازی به هیچ وجه قابل مذاکره نیست

معاون سیاسی وزیر امور خارجه کشورمان در گفت‌وگو با رسانه ژاپنی ضمن تأکید بر اینکه توقف غنی‌سازی در ایران به هیچ وجه قابل مذاکره نیست، گفت: تهران آماده است در ازای لغو تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های خاصی را در برنامه هسته‌ای خود بپذیرد.

به گزارش تسنیم، مجید تخت‌روانچی در مصاحبه با خبرگزاری ژاپنی «کیودو» بیان کرد تهران آماده است در ازای لغو تحریم‌های اقتصادی، محدودیت‌های خاصی را در برنامه هسته‌ای خود بپذیرد اما پایان دادن به غنی‌سازی اورانیوم به هیچ وجه قابل مذاکره نیست.

وی در این‌ مصاحبه گفت: «لران می‌تواند درباره ظرفیت‌ها و محدودیت‌های غنی‌سازی انعطاف‌پذیر باشد اما نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی با توقف غنی‌سازی موافقت کند زیرا ضروری است و ما باید به خودمان تکیه کنیم، به به وعده‌های توخالی».

معاون وزیر امور خارجه کشورمان با بیان اینکه آمریکا ما را با تظاهر به گفت‌وگو فریب داد، تأکید کرد ایران آماده گفت‌وگو با آمریکا است اما ایالات متحده باید روشن کند آیا واقعا به گفت‌وگوی برد – برد علاقه‌مند است یا به تحمیل اراده خود.

پیش‌تر نیز سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان در مصاحبه تلویزیونی خود درباره مذاکرات با آمریکا گفته بود: قزاقی که قطعی شده باشد خبر اما صحبت‌هایی بوده و هنوز هم هست و پیام‌هایی به ما رسیده و اینکه در آینده مذاکراتی انجام شود به این بستگی دارد که چه چیزی اقتضا کند. ما هر کار لازم باشد می‌کنیم و هر جا لازم باشد مذاکره می‌کنیم. برای تأمین منافع ملی هیچ یک از ابزارهای موجود را از دست نمی‌دهیم.

وی افزود: ما در مذاکرات قبلی دست پر بودیم و هیچ کوتاهی‌ای نداشتیم. مذاکرات قبل از جنگ منجر به شناسایی حقانیت ایران و مشروعیت ما در مقابل رژیم صهیونیستی و آمریکا بود. خیلی‌ها حملات را محکوم کردند و از ایران دفاع کردند. تقریباً همه سازمان‌های بین‌المللی جز شورای امنیت سازمان ملل این حملات را محکوم کردند. درعقبت ادامه داد: مردم دیدند ایران دیپلماسی را از دست نداد و اتمام حجت شد و این حقانیت دفاع ایران از خودش را اثبات کرد.

صحبت‌های روز یکشنبه آقای رئیس‌جمهور در جمع اهالی رسانه، خاصه آن بخش از اظهارات وی که درباره ادامه غنی‌سازی اورانیوم و حمله احتمالی دشمن به تأسیسات غنی‌سازی مطرح شد، نه تنها یک موضع‌گیری غلط و بی‌مبنا بود، بلکه متأسفانه این احتمال می‌رود هزینه‌های هنگفتی نیز روی دست ایران بگذارد. نکته قابل تامل درباره اظهارات رئیس‌جمهور این است که برخلاف تصور رایج از نوع ادبیات و اظهارات آقای پزشکشان، یعنی بی‌دقتی در اظهارنظر یا ارتکاب سهو لسان، رفتار دفتر وی و معاونت اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور نشان داین موضع، سیاست رسمی و اعلامی دولت است. در اشتباه بودن این اظهارات تردیدی نیست. جلسه با مدیران مسؤول رسانه‌هانیز به صورت زنده از تلویزیون با ساینر پلنفرها پخش نمی‌شد، بنابراین از دفتر رئیس‌جمهور انتظار می‌رفت این بخش از اظهارات و را منتشر نکند اما معاونت اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور این بخش از اظهارات پزشکشان را انتخاب و منتشر کرد تا نشان دهد این اظهارات پزشکشان سیاست رسمی دولت درباره ادامه غنی‌سازی اورانیوم در ایران است.

این اظهارات آقای رئیس‌جمهور از ۲ نظر گاه هم اشتباه بود، هم هزینه‌ساز، در ادامه به هر ۲ مورد اشاره می‌شود.

اگر آقای پزشکشان در قامت رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، یک اظهارنظر منطقی و قابل انتظار درباره موضوع ادامه غنی‌سازی و همچنین یک واکنش عاقلانه و البته بدیهی نسبت به تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونیستی مبنی بر حمله مجدد به تأسیسات غنی‌سازی ایران؛ از خود نشان می‌داد، چه باید می‌گفت؟

قاعدتا انتظار می‌رفت آقای پزشکشان به مفاد معاهده عدم اشاعه یعنی NPT و خاصه بند ۴ این معاهده اشاره می‌کرد که در آن حقوق هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم برای همه اعضای آن مجاز شمرده شده است، بنابراین باید آقای رئیس‌جمهور به این نکته مهم اشاره می‌کرد که ایران به عنوان یکی ازاعضای معاهده عدم‌اشاعه،وقتی تکالیفی از جمله نظارت نامحدود و بازرسی‌های فراتر از یادمانی را می‌پذیرد، قاعدتا باید از مواهب این معاهده هم برخوردار باشد. اینکه ایران یک استثنا در NPT شمرده شود، یک بدعت خطرناک و خلاف منافع ملی و همچنین در تضاد با اصل عزت در استراتژی سیاست خارجی ایران است. یعنی آقای پزشکشان حتما باید به این موضوع اشاره کرده و مغایرت رفتار و خواسته‌های آمریکا با مفاد این قانون را گوشزد می‌کرد. یکی دیگر از مواردی که لازم است رئیس‌جمهوری اسلامی ایران در قبال این موضوع اتخاذ کند، بومی شدن دانش هسته‌ای، بویژه غنی‌سازی در ایران است. رئیس‌جمهور باید بر این واقعیت همواره تأکید کند تا بی‌فایده بودن حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی را گوشزد کند.

اما نکته مهم در این باره، الزامات منطقی و سنجیده مواضع رئیس‌جمهور در واکنش نسبت به تهدیدات آمریکا مبنی بر حمله مجدد به تأسیسات هسته‌ای ایران است. آقای رئیس‌جمهور باید در مقابل تهدید به حمله، از ادبیات تهدیدآمیز استفاده نکند. یعنی قاعدتای پذیرفته‌شده که مقامات همه کشورها در مقابل تهدید خارجی طبق آن عمل می‌کنند. لازم است رئیس‌جمهور در واکنش به تهدیدات مکرر ترامپ مبنی بر حمله نظامی مجدد به تأسیسات هسته‌ای ایران، مقابله به مثل کرده و با اشاره به حمله موشکی ایران به پایگاه العدید، هم توان و هم اراده ایران برای پاسخگویی به تهاجم احتمالی آمریکا را یادآوری کند. به عنوان نمونه، واکنش ترامپ به حمله ایران به العدید، بسیار معنادار بود. ترامپ با انکار اصابت موشک‌های ایرانی به این پایگاه، عملا نشان داد بشدت از آسیب‌پذیری آمریکا در مقابل حملات ایران و واکنش‌های داخلی در آمریکا به این موضوع، هراس دارد. به همین خاطر او ابتدا مدعی شد حتی یک موشک هم اصابت نکرده و بعد از انتشار تصاویر مربوط به اصابت یک موشک به گنبد راداری آمریکا در این پایگاه، دیگر در این باره اظهار نظر نکرد. بنابراین یک واکنش قابل انتظار از رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به تهدیدات ترامپ این است که برخی واکنش‌های این حمله را به ترامپ گوشزد کند. از جمله اینکه برخلاف ادعاهای دروغ ترامپ، در حمله ایران، ۶ موشک به اهداف تعیین شده اصابت کرده‌است. به عبارتی رئیس‌جمهور بااستناد



اتلاف وقت دیگر جایز نیست رئیس‌جمهور نسبت به اصلاح ناکار آمدی‌های مدیریتی دولت اقدام کند

این کابینه ضعیف است

و یادآوری این واقعیت، به ترامپ یادآوری کند حمله مجدد به تأسیسات هسته‌ای ایران، با واکنش قطعی تهران مواجه خواهد شد و این واکنش، حتما برای آمریکا خسارت‌بار خواهد بود. کما اینکه رهبر معظم انقلاب نیز در این باره تأکید کردند ایران توانایی وارد کردن خسارت بیشتر به منافع آمریکا را نیز داراست، لذا این یک انتظار بدیهی است که رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، در واکنش به تهدیدات همتای آمریکایی خود، این قبیل واقعیات را یادآوری کند، بویژه اینکه واکنش ترامپ نسبت به ماجرای حمله به العدید نشان داد او به شدت از وارد شدن خسارت به منافع آمریکا می‌ترسد.

■ **کمک به محاسبات دشمن**
اما فارغ از اشتباه بودن این اظهارات آقای پزشکشان و موضع دور از انتظار او درباره غنی‌سازی و تهدید آمریکا مبنی بر حمله نظامی مجدد به تأسیسات هسته‌ای، باید گفت این موضع رئیس‌جمهور هزینه‌ها و خسارات زیادی را نیز بر ایران تحمل می‌کند. مهم‌ترین هزینه این اظهارنظر، نقش آن در محاسبات آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره دستگاه تصمیم‌گیری ایران است.

پس از حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، ترامپ به دفعات ضمن بیان ادعای غلط نابودی تأسیسات هسته‌ای کشورمان، مدعی شد در صورتی که ایران مجددا فعالیت غنی‌سازی خود را از سر بگیرد، آمریکا مجددا آن تأسیسات را مورد هدف قرار می‌دهد. آنچه مسعود پزشکیان روز یکشنبه در دیدار مدیران مسؤول رسانه‌ها گفت معتبر کردن این تهدید

ترامپ بود. واقعیت این است که این اظهارنظر آقای پزشکشان، یک عقب‌نشینی از مواضع رسمی ایران درباره غنی‌سازی اورانیوم است اما تأسف‌آور تر و خطرناک‌تر این است که این موضع آقای پزشکشان، یک پیام بسیار خسارت‌بار به طرف مقابل ارسال می‌کند.

طی ۲ دهه گذشته آمریکا با به کار بستن انواع و اقسام بسته‌های فشار سیاسی و اقتصادی تلاش کرد ایران در تصمیم و سیاست خود برای برخورداری از دانش هسته‌ای تجدیدنظر کند. ایران در مقابل این فشارهای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی، یک سیاست سنجیده و منطقی در پیش گرفت. ایران با توسعه برنامه هسته‌ای، بویژه افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم، به طرف مقابل ثابت کرد فشار، نه‌تنها موجب تجدیدنظر در تصمیم ایران برای برخورداری از مواهب ذاتش و صنعت هسته‌ای نمی‌شود، بلکه در عمل، منجر به توسعه این صنعت در ایران نیز می‌شود. نخستین فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا علیه ایران در شرایطی اتفاق افتاد که سطح غنی‌سازی در ایران بین ۳ تا ۵

ماجرای زنگزور است و چه باید کرد؟

برای کسب آن بر سیاست راهبردی‌اش سایه می‌افکند. سیاست خارجی روسیه مملو است از رفتارهایی برآمده از نگاه کوتاه‌مدت و معامله‌گری بر سر آن. بر همین اساس تهران نباید فرض را بر همسویی کامل روسیه با خود بگذارد، بلکه باید همواره احتمال معامله منافع ایران در بازی‌های بزرگ قدرت‌ها را مدنظر داشته باشد. به تعبیر دیگر، ایران با لحاظ اینکه منافع راهبردی مشترک با روسیه دارد و در جهت آن باید به تقویت روابط خود با روسیه بپردازد، باید مراقب «خصلت روسی» در سیاست خارجی باشد و ضمن همکاری با مسکو در حوزه‌های مشترک و راهبردی، برنامه‌های خود را مستقل و آینده‌نگرانه تنظیم کند تا از تغییر بازی روسیه آسیب نبیند.

■ **به معنای لابی آذربایجان و ارمنستان در ایران چگونه باید پاسخ داد؟**

در فضای سیاسی – رسانه‌ای ایران، گاه صحبت از «لابی ارمنی» یا «لابی باکو» می‌شود که هر یک سعی دارند سیاست کشور را به نفع خود تحت تأثیر قرار دهند. بررسی واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد توان لابی ارمنستان در ایران بسیار محدودتر از فضا سازی‌های انجام‌شده است. جمعیت ارمنه ایران کوچک و فاقد نفوذ سازمان‌یافته در نهادهای تصمیم‌گیری است. به عکس، لابی جمهوری آذربایجان (حامیان دولت علی‌اف) در سال‌های اخیر نفوذ قابل‌توجهی در ایران پیدا کرده است. به حاشیه راندن مشارکت آذربایجان در حمله نظامی رژیم صهیونی به ایران را باید نمونه‌ای از تلاش این لابی در سیاست ایران دانست. برای درک دقیق‌تر ماجرا بازخوانی مواضع برخی سفیران سابق ایران در آذربایجان در این موضوع خاص بسیار راه‌گشاست. برخی تحلیل‌گران مواضع اخیر پسر رئیس‌جمهور را در چارچوب تأثیر نفوذ لابی آذربایجان در اطراف رئیس‌جمهور تحلیل می‌کنند. نمونه دیگر این تأثیر را می‌توان در ماجرای جلوگیری از پخش یک مستند انتقادی درباره خانواده علی‌اف در شبکه برون‌مرزی صدآوسیمیا دید. این رخدادها نشان می‌دهد لابی باکو در ایران واقعیتی جدی است.

در مقابل، لابی ارمنی بیشتر به عنوان یک برچسب تبلیغاتی از سوی جریان‌های پان‌ترک مطرح می‌شود تا اقدامات‌شان را توجیه کنند. نکته حائز اهمیت این است که ارمنستان و ارمنه منطقه در مواقعی یاری‌رسان ایران بوده‌اند. برخلاف باکو که همیمان تل‌آویو است، ارمنستان هیچ‌گاه پایگاه دشمن علیه ایران نبوده و حتی در دوران تحریم‌ها یکی از مجاری تجارت و مبادلات مالی تهران با دنیا محسوب می‌شده است.

این همکاری‌ها نشان می‌دهد نباید با نگاه امنیتی صرف

ثبات مرزها قاعده‌ای بنیانی در نظم منطقه‌ای است.

■ **بمب نوی مذاکره!**

جدای از ادبیات نسنجیده و استدلال خسارت‌بار، ادعای رئیس‌جمهور درباره مذاکره و دفاع تمام‌قد از آن نیز حیرت‌آور است. آقای پزشکشان در حالی تمام‌قد به احترام مذاکره ایستاده و کلاه از سر داشته که گویا فراموش کرده همین ۳ ماه پیش مذاکره چه کلاه گشادی بر سر او گذاشت. حمله به ایران شلیک به مذاکره بود. به تعبیری آمریکایی‌ها روی میز مذاکره با وزیر امور خارجه مسعود پزشکیان بمب انداختند. بنابراین سینه‌چاکت پزشکشان برای مذاکره حقیقتا عجیب است. البته قطعاً مخالفت با هر نوع مذاکره، خارج از دایره عقلانیت است. آن که تحت هر شرایطی مخالف مذاکره است، بدون تردید در مقابل منافع ملی ایستاده است. اما آن کسانی که پس از حمله ۲۳ خرداد به ایران همچنان سینه‌چاک مذاکره هستند و لابد می‌خواهند این بار در مقابل آمریکایی‌ها دست بر سینه بایستند، قطعاً اینها نیز در بیراهه هستند و زحمت پیبوهده می‌کشند. حمله ۲۳ خرداد به ایران ثابت کرد مذاکره در منطق رئیس‌جمهور آمریکا، تحمیل یکسری مطالبات به طرف مقابل است. پس از حمله نظامی به ایران نیز رئیس‌جمهور آمریکا در مواضعی توهین‌آمیز ضمن ابراز عدم تمایل برای مذاکره با دولت پزشکشان، از ضرورت تسلیم ایران گفت. بنابراین در شرایط فعلی، مذاکره بی‌اعتبارترین ایده است. یک ایده کاملاً شکست خورده. البته این به معنای لزوم عدم مذاکره نیست اما سینه‌چاک‌ی برای مذاکره نیز یک تصویر مضحک از دنیای ارائه می‌دهد. واقعیت این است که در میان عقای نظام، کسی مخالف مذاکره نیست اما در بین همین عقلا نیز قطعاً کسی پیدا نمی‌شود که نسبت به مذاکره خوش‌بین باشد.

خوش‌بینی نسبت به ۵ دور مذاکرات ایران و آمریکا به میزبانی عمان، نهایتاً به جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه ایران منتهی شد. بنابراین در شرایط فعلی هر نوع خوشبینی به مذاکرات و طرف آمریکایی، نشان‌دهنده زوال عقل و دوری از منطق است. ضمن اینکه با پیام ضعیفی که آقای پزشکشان ارسال کرد، قطعاً نتیجه‌بخش بودن این مذاکرات نزدیک به محال است.

■ **کابینه را ترمیم کنید**
یک سال از دوره ریاست جمهوری مسعود پزشکیان گذشت. واقعیت این است که دولت آقای پزشکشان در این یک سال کارنامه خوبی نداشته است. بویژه در حوزه اقتصادی، دولت چهاردهم نمره قبولی نمی‌گیرد. رهاشدگی قیمت‌ها، تورم افسارگسیخته، ناکارآمدی مطلق برخی وزرا، تخلف‌ها و همین‌طور اولویت یافتن انتصابات سیاسی و جناحی بر شایسته‌سالاری، در یک سال گذشته تصویری ناکارآمد از دولت به افکار عمومی ارائه کرده که به گونه‌ای که هیچ طرفداران دولت نیز در این مدت نسبت به ناکارآمدی‌ها و سوءمدیریت انتقاداتی را مطرح کرده‌اند. واقعیت این است که گویی یک رخوت و کرختی در مجموعه دولت فراگیر شده است که تصمیمات و نه اقدامات، تناسلی با واقعیت‌ها و نیازهای ضروری کشور ندارد. به همین خاطر این انگاره مطرح شده که دولت، دست روی دست گذاشته و نسبت به گشایش‌های خارجی امیدوار است. این همان بلیه‌ای است که کشور در دولت حسن روحانی به آن مبتلا و خسارات هنگفتی به ایران تحمیل شد. تجربه ۸ سال مدیریت حسن روحانی باعث شده امید چندین دهه به گشایش‌های خارجی کاملاً غیرمعتبر شود. اکنون که با وقوع جنگ اخیر، این ایده نه‌تنها بی‌اعتبار شده، بلکه توجه و اعتقاد به آن باعث افزایش ضریب تهدید علیه امنیت کشور نیز می‌شود. بنابراین اگر قرار است گشایشی در کشور رخ دهد و اگر قرار است روزنه‌هایی از امید برای بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی پدیدار شود؛ راحل، تکیه بر ظرفیت‌ها و توان داخلی و همین‌طور استفاده در ست و منطقی از ظرفیت‌های دیپلماتیک است. کابینه آقای پزشکشان در سال اول نشان داد از ظرفیت لازم برای مدیریت کشور برخوردار نیست. اکنون هنگامه ترمیم این کابینه است. وزرای ناکارآمد باید با افراد دارای صلاحیت، مفید و متخصص جایگزین شوند. برخلاف مذاکره که نه‌امکان، بلکه چشم‌اندشتی به تصمیم طرف آمریکایی است؛ اصلاح کابینه را استفاده از ظرفیت‌های تخصصی، امکانی است که کاملاً در اختیار خود دولت است. دولت به جای افتادن در ورطه دوقطبی‌سازی‌های کاذب و هزینه‌ساز، بهتر است با تکیه بر واقعیات نسبت به مدیریت کشور اهتمام داشته باشد.

دستکاری جغرافیای سیاسی با فشار بیرونی اگر حتی با زبان توسعه و ترانزیت عرضه شود هم از سوی ایران قابل قبول نیست. دستگاه سیاست خارجی ایران باید بر این موضع قرار بگیرد و با دیپلماسی چندلایه در قفقاز سیاست ایران را تسهیل کند. این کار نیازمند حضور سربازی در منطقه قفقاز است که نگاه ملی داشته باشند و تحت تأثیر تحلیل‌های غلط لابی باکو در ایران نباشند.

۲- **لا به امنیتی- عملیاتی**
این بخش از دکنترین برر واقعیت‌های زمینی و امنیتی متمرکز است. هر زیرساختی که در نزدیکی مرزهای ایران ایجاد می‌شود، به طور بالقوه «دوگانه‌کاربر» است. یعنی هم می‌تواند برای مقاصد اقتصادی و هم برای مقاصد نظامی یا اطلاعاتی به کار رود. از این رو، ایران تأکید دارد چنین پروژه‌هایی در نزدیکی مرز ایران باید «ویژگی داشته باشند؛ (الف) این زیرساخت‌ها باید شفاف باشند، کاربری آنها به طور روشن غیرنظامی تعریف شود و سازوکارهای نظارتی قوی برای اطمینان از این وضعیت وجود داشته باشد؛ (ب) این پروژه‌ها نباید کشورهای متخاصم ایران حضور داشته باشند. اگر طرف مقابل از این ۲ قاعده عدول کند، هزینه نقض باید برای او به حدی بالا برود که به سه عنوان عامل بازدارنده عمل کند.

۳- **لا به ژئواکونومیک و بازدارنده**

بازدارندگی مؤثر تنها با صدور بیانیه حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند تقویت پیوست اقتصادی و ایجاد جذابیت عملی برای همکاری با ایران است. هرچه مسیرهای ترانزیتی ایران امن‌تر، سریع‌تر، ارزان‌تر و پیش‌بینی‌پذیرتر باشد، کشورها کمتر تمایل خواهند داشتند در پروژه‌هایی مشارکت کنند که منافع ایران را دور زده یا به امنیت ملی کشور آسیب می‌زنند. به بیان دیگر، «زیست اقتصادی» خود نوعی سپر بازدارنده است. زیرا بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در صورت از دست دادن دسترسی به مسیرهای ایران، متضرر خواهند شد. در این میان از اولویت‌های اساسی دولت ایران در دستور کار قرار دادن سیاست ترمیم مزیت ترانزیتی ایران است. این مهم نیازمند، (الف) بازطراحی سبد مسیرها

با تسریع ساخت و تجهیز کریدورهای جایگزین شرق – غرب در قلمرو ایران؛ (ب) پیوند بنادر جنوب به بندرهای عمان، پاکستان، هند و جنوب شرق آسیا؛ پ) ارتقای لجستیک ترانزیتی داخلی شامل ریل باری و ظرفیت، پنجره و واحد گمرکی، تسهیل بیمه و مالیات و ت) قیمت‌گذاری رقابتی است تا «هزینه – زمان» در مسیرهای ایران دوباره جذاب شود و وابستگی مشتریان به رقبا کاهش یابد.

■ **سیاست پژوه**